

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2019Y3N10A13 ISSN-P: 2538-3701

مطالعه تطبیقی زنای فریبکارانه در نظام حقوق کیفری ایران و انگلستان

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۶/۱۲)

میثم سلیمان زاده^۱

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، پژوهشگر حقوق کیفری

اباذر سلطانی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، وکیل پایه یک دادگستری

چکیده

جرایم منافی عفت همانند سایر جرایم از حیث تعدد، انواع تقسیم بندی گوناگونی دارد. به تعبیر دیگر چنین جرمی در مقررات کیفری و جرم شناسانه با خاستگاه های گوناگونی محور مطالعات قرار گرفته که مهمترین و تازه ترین نوع آن «زنای فریبکارانه» می باشد چرا که زنای فریبکارانه عنوان مجرمانه مستقلی ندارد و در قوانین مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ و ۱۳۶۱ و ۱۳۹۲ بحثی از آن به میان نیامده است. نیز در این مقاله علی رغم نو بودن و عدم نگاه مستقل به این پدیده در زیر مجموعه جرائم منافی عفت سعی بر آن بوده ضمن مطالعه مفاهیم و مبانی آن، زنای فریبکارانه را در قالب دو محور مطرح نموده در محور نخست در مورد بحث فقهی این موضوع مطالعه نموده و اینکه در فقه نظرات به چه ترتیب است. در محور دوم درباره مباحث حقوقی زنای فریبکارانه مطالعات خود را بسط داده ایم تا بر این اساس کنکاشی بر قوانین ماهوی و طرق دادرسی زنای فریبکارانه داشته باشیم. و جهت تطبیق قوانین داخلی با قوانین کیفری خارجی، تاسیس و نهاد های کیفری مشابه در نظام حقوق کیفری انگلستان را مورد مطالعه قرار داده ایم.

واژگان کلیدی: زنا، فریبکارانه، منافی عفت، خشونت، جرایم جنسی

۱ نویسنده مسئول



در هر جامعه ای نسبت به ارزش های مورد قبول آن جامعه و صیانت از آن، حساسیت هایی وجود دارد که در صورت نقض، نظام حاکم بر جامعه به نوعی به مقابله با آن بر می خیزد. در جامعه اسلامی که روش زندگی افراد توسط دین اسلام مشخص شده است، برای سعادت افراد، برنامه هایی ارائه شده و ارزش هایی نیز معین شده اند که اگر کسی خلاف این ارزش ها حرکت کند، مجازات می شود. از آنجا که اسلام همواره با فساد و فحشا مخالف بوده و به مبارزه علیه آن می پردازد بعد از انقلاب نیز قوانینی جهت ممنوعیت این اعمال غیر اخلاقی به تصویب رسید در قانون مجازات اسلامی فصلی به جرایم جنسی تحت عنوان جرایم منافی عفت اختصاص داده شده است که مهمترین نوع جرایم جنسی بزه « زنا^۱ » می باشد. البته انواع زنا در قانون مجازات اسلامی با معیارهای معین و مشخصی تقسیم نگردیده بلکه مقنن در ماده ۲۲۴ و تبصره های آن صرفاً از حیث مجازات انواع زنا را ارائه داده است که زنا ی فریبکارانه^۲ ذیل زنا ی به عنف قرار داده شده است و عنوان مستقلی برای این نوع از زنا داده نشده است.^۳ حال پرسش اصلی این است که آیا می توان زنا ی فریبکارانه را به عنوان جرم مستقل^۴ در حقوق کیفری ایران بررسی کرد؟ و اینکه آیا زنا ی فریبکارانه در فضای مجازی^۵ در مقابل



1-adultery

2 - deceptive deception

۳-ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی: "حد زنا در موارد زیر اعدام است: الف: زنا با محارم نسبی ب: زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است. پ: زنا ی مرد غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است. ت: زنا ی به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است. تبصره ۱- مجازات زانیه در بندهای ب و پ حسب مورد، تابع سایر احکام مربوط به زنا است. تبصره ۲- هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا ی با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا ی به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.

4 - independent crime

5- cyberspace

فضای حقیقی^۱ بیشتر گردیده است و تاثیر این شبکه های اجتماعی در فریب بزه دیده به نسبت فضای حقیقی بر چه اساس و معیاری می باشد؟ و سرانجام با مطالعه و تحقیق در پیرامون مقررات جرائم منافی عفت درصدد ارائه رویه قضایی و نحوه واکنش سیاست جنائی ایران در قبال زنا ی فریبکارانه خواهیم بود. بدین ترتیب در عرصه تقنینی و حقوق کیفری ایران و تحقیقات پیرامون آن، با توجه به اهمیت دوچندان موضوع زنا ی فریبکارانه و نوین بودن موضوع مقاله حاضر، تحقیقات و پژوهش های جامع انجام نگرفته است، نیز در خصوص حوزه تقنینی نسبت به موضوع زنا ی فریبکارانه، مقنن ایران قوانین منسجم و معین وضع ننموده است بدین توضیح که معیار وظابطه ی مشخصی برای تمیز زنا ی به عنف از فریبکارانه و نیز اعمال فریبدهنده در قانون مجازات اسلامی ارائه نداده و صرفاً در تبصره دو ماده ۲۲۴ به مجازات فریب دختر نابالغ بسنده نموده است که خود عامل سلیقه های قضایی متفاوت در رویه قضایی گردیده است که جملگی موید تازگی موضوع تحقیق بوده و اصلاح قانون مجازات اسلامی و ارائه معیار و ظوابط تمیز این اعمال از یکدیگر را ضروری می نماید. قابل ذکر اینکه کمبود منابع و مآخذ راجع به موضوع مقاله حاضر، ضرورت تحقیق در این خصوص را بیشتر عینیت و ضرورت بخشیده و توجه پژوهشگران حاذق و پرتلاش را خواهان می باشد فلذا تحقیق و پژوهش در این خصوص را از اهمیت بالایی قرار داده است لذا در تحقیق حاضر به لحاظ اینکه با ضعف تقنینی شدید در داخل مواجهیم و بدین ترتیب بررسی این خلاء ها در کنار حقوق کیفری انگلستان و رویه قضایی آن ضرورت را دو چندان نموده و تازگی خاصی به مقاله حاضر از حیث تطبیقی بخشیده است.

بخش اول: مفاهیم زنا و فریب در متون فقهی و حقوقی

مرحوم نراقی در کتاب جامع السعادات می نویسد:

1- real space

«مکر و نیرنگ از مهلکات بزرگ است، زیرا آشکارترین صفت شیطان است و بیشترین سپاهیان او دارای این صفت می‌باشند و گناه آن از گناه آزار رساندن به دیگران به صورت آشکار، بیشتر است. زیرا در آن حالت، طرف مقابل با آگاهی از سوءقصد فرد مهاجم، احتیاط می‌کند و خود را در برابر او حفظ می‌کند و چه بسا آزار او را دفع کند. اما فرد غافل، احتیاط نمی‌کند، زیرا گمان می‌کند که این فریبکار حیله‌گر، دوستدار و دلسوز اوست و بدین سان در لباس دوستی و محبت در معرض آزار و نیرنگ او قرار می‌گیرد.» به طور خلاصه باید گفت که مکر و نیرنگ، کیفری دردناک را در دنیا و آخرت در پی خواهد داشت خداوند متعال می‌فرماید:

(يَخٰدِعُوْنَ اللّٰهَ وَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَ مَا يَخٰدِعُوْنَ اِلَّا اَنْفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُوْنَ فِىْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللّٰهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ...)

آنان در برابر خدا و مؤمنان دست به فریب زدند، ولی جز خودشان را نخواهند فریفت، در حالی که نمی‌دانند. در دل‌هایشان مرضی است که خدا بر آن، مرضی دیگر می‌افزاید و برای آنان کیفری دردناک است.

(... وَ الَّذِيْنَ يَمْكُرُوْنَ السَّيِّئٰتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ وَ مَكْرٌ اَوَّلٰئِكَ هُوَ يَبُوْرُ.)

... و برای آنان که با مکر و فریب، کارهای زشت می‌کنند، کیفری سخت خواهد بود و فریب آنان نابود خواهد داشت.

و نیز می‌فرماید:

(... وَ لَا يَحِيْقُ الْمَكْرَ السَّيِّئِ اِلَّا بِاَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُوْنَ اِلَّا سُنَّتَ الْاَوَّلِيْنَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللّٰهِ تَبْدِيْلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللّٰهِ تَحْوِيْلًا.)

... و مکر زشت، جز اهلش، احدی را هلاک نخواهد کرد. آیا آنان جز سرنوشت پیشینان
انتظاری دارند؟ پس سنت خدا هرگز مبدل نمی‌شود و سنت خدا هرگز تغییر نمی‌پذیرد.

فریبکاری نوعی نفاق و دورویی است، از این‌رو، گناهش بزرگتر و کیفرش شدیدتر از سوء
قصد آشکار، حتی اگر قتل باشد، است. مثلاً کسی با خوراندن سم، دیگری را به قتل می‌رساند،
گناهش بیشتر و بزرگتر از کسی است که آشکارا به کشتن دیگری دست می‌زند. زیرا آن قتل
پنهانی، و از طریق سم، تحت پوشش احسان و نیکی انجام می‌گیرد، چنانچه بعضی از خلفای
بنی‌عباس از این شیوه برای به شهادت رساندن امامان معصوم -علیه السلام- و برخی اولیای
الهی استفاده کردند و فرد قاتل، منافق نیز هست و جایگاه منافق در قعر آتش دوزخ است.

اگر کسی -العیاذ بالله- با همسر برادر و دوستش -خصوصاً- در خانه او، زنا کند، او هم
زناکار است، هم منافق و خائن. همچنین اگر کسی به مال برادر مؤمنش با مکر و فریب دستبرد
بزند، او یک دزد منافق است. پس اگر گفته شود فریب و حيله و نیرنگ، پلیدترین رذایل و
فریبکار در شمار منافقان است، سخنی بجا و درست است و قرآن هم آن را تأیید می‌کند،
چنانچه در اوایل سوره بقره می‌فرماید:

(و من النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ. يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا...)

و برخی از مردم، کسانی هستند که می‌گویند ما به خدا و روز قیامت ایمان آوردیم، در
حالیکه مؤمن نیستند. آنان در برابر خدا و مؤمنان دست به فریب زدند...

زنا به نزدیکی بین زن و مرد (شامل آمیزش جنسی مهلی و مقعدی) بدون ازدواج اطلاق
می‌شود. یعنی مرد و زن نامحرمی بی آنکه عقد دائم یا موقت بخوانند با هم از راه جلو یا پشت
نزدیکی نمایند و دخول صورت بگیرد. یعنی آلت مرد در آلت زن یا مقعد داخل گردد و
دخول هم به مقدار ختنه‌گاه صورت بگیرد. اگر نزدیکی و دخول صورت نگیرد، به آن زنا





نمی‌گویند. بنابراین هر چند لمس و یا دیدن بدن دختر نامحرم، حرام است اما حکم زنا را ندارد و حد زنا جاری نمی‌شود.^۱ در فرهنگ‌ها و ترمینولوژی نیز تعریف زنا از تعریف قانونی در قوانین تفاوت مشخصی ندارد. دکتر لنگرودی در مقام تعریف زنا بیان می‌دارند: جماع غیرمشروع خواه در جهت آلت تناسلی باشد خواه نه. برای تحقق زنا علاوه بر عنصر عدم مشروعیت واقعه و عمد شرط است که زانی بالغ باشد اگرچه طرف او نابالغ باشد و شرط است که زانیه بالغه باشد اگرچه طرف او نابالغ باشد و زانی عاقل باشد ولو اینکه طرف عاقله نباشد و زانیه عاقله باشد اگرچه طرف عاقل نباشد و شرط است که دخول لاقل بقدر حشفه باشد. همچنین گفته شده است که علم به جرم بودن زنا شرط تحقق این جرم است.^۲ این جرم زمانی توسط مرد و زن ارتکاب می‌یابد که بالغ و عاقل و مختار باشند و نسبت به حکم و موضوع آن نیز آگاه باشند بنابراین چنانچه یک طرف از زن و مرد از تحقق آن آگاهی نداشته باشد و یا علم به حرمت مباشرت جنسی حرام نداشته باشد، محکوم به مجازات حد نمی‌شود و تنها طرفی که از حکم و موضوع آگاه باشد محکوم به حد می‌شود.^۳

بخش دوم: مقایسه زنا از طریق فریب و زنا به عنف

تجاوز^۴ به عنف شدید تر از خشونت جنسی است که طی آن مردی به عنف و بدون رضایت زن با او نزدیکی کند. عنف یعنی خشونت و زور و منظور از اصطلاح تجاوز به عنف انجام

۱- خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد اول، چاپ چهارم، ص ۱۹۸، تهران، ۱۳۹۲
 ۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ ۲۶، ص ۳۴۴، تهران، ۱۳۹۳
 ۳- مطابق ماده ۲۲۱ ق.م.ا: زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد.
 تبصره ۱- جماع با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه گاه در قُبُل یا دُبُر زن محقق می‌شود.
 تبصره ۲- هرگاه طرفین یا یکی از آنها نابالغ باشد، زنا محقق است لکن نابالغ مجازات نمی‌شود و حسب مورد به اقدامات تامینی و تربیتی مقرر در کتاب اول این قانون محکوم می‌گردد.

نزدیکی جنسی^۱ بدون رضایت^۲ زن و با استفاده از قهر و غلبه است. تجاوز به عنف نوعی از زنا محسوب می شود و در تمام کشورها مجازات شدیدی دارد و جنایت محسوب می شود. فرقی بین جانی از این نظر که جوان "غیر جوان" محصن یا غیر محصن باشد وجود ندارد تجاوز به عنف جرمی است که در ردیف مجازات های جنایی است. در کشورهای دیگر از لحاظ میزان مجازات به جنایت، جنحه و خلاف طبقه بندی شده اند. تجاوز به عنف در همه کشورها مجازات شدیدی دارد و به جنایت مربوط است. در قانون جمهوری اسلامی ایران در بند «ت» ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مجازات تجاوز به عنف اعدام است.^۳ در زنا ی فریبکارانه، رفتار مجرمانه ابتدا باید بصورت فریب و حيله انجام گرفته باشد. یعنی ابتدا باید مرتکب، فرد دیگری را از راه حيله و تقلب و نیرنگ با انگیزه های مختلف فریب دهد تا فرد مورد نظر وی با رضایت به عمل زنا تن در دهد. هر چند در این شیوه از زنا، فرد مورد خشونت قرار نمی گیرد و حتی با رضایت خویش به زنا تن در می دهد اما من باب مجازات کم از زنا ی به عنف ندارد. چه اینکه شاید در زنا ی به عنف، رفتار فیزیکی و مقهورانه منجر به زنا شده لیکن در زنا ی فریبکارانه از روحیات و عواطف بزه دیده سوء استفاده گردیده که این امر موجب بی اعتمادی نسبت افراد خواهد شد.

بند اول: ریشه های تجاوز به عنف

در واقع تجاوز جنسی نوعی انحراف جنسی است که شخص به این دلیل که نمی تواند از طرق عادی و با ایجاد رابطه انسانی، مشروع و قانونمند نیازهای خود را برطرف کند، با تمسک

1- sexuality

2 - without consent

۳ - ماده ۲۲۴ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ مقرر می دارد: حد زنا در موارد زیر اعدام است:الف-زنا با محارم نسبی ب-زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است. پ-زنا ی مرد غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است. ت-زنا ی به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است. تبصره یک - مجازات زانیه در بندهای ب و پ حسب مورد، تابع سایر احکام مربوط به زنا است. تبصره دو - هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا ی او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند، رفتار او در حکم زنا ی به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگر چه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.





به زور و جبر و خلاف میل طرف مقابل به تمامیت جنسی وی تعرض می‌کند. آنچه مشخص است ریشه یابی و بررسی علل وقوع چنین جرایم وحشیانه ای است، امر مهمی که هیچ‌گاه در کشور ما و توسط مسئولین مورد توجه قرار نگرفته است. تجاوز جنسی محصول یک اختلال شخصیت و ناشی از دوران کودکی و نوجوانی فرد بوده و در واقع به نوعی در دوران رشد روانی وی یعنی دوران دهانی، دفعی، سالوس، نهفتگی و بلوغ در او پدید آمده است و در زمان جوانی و میانسالی خودنمایی می‌کند. جرایم جنسی عمدتاً ارتباط تنگاتنگی با شرایط سنی، فرهنگی و اقتصادی مرتکبان دارد؛ البته این نوع جرایم در اکثر کشورهای جهان وجود دارد. تجاوزات جنسی و به‌طور مشخص تجاوز به عنف از جمله جرایمی هستند که از قدیم‌الایام یعنی زمانی که بشر زندگی جمعی خود را آغاز کرد تا به امروز وجود داشته و هم‌اکنون نیز در کشورها و جوامع مختلف با انگیزه‌های متفاوت ارتکاب می‌یابد. تجاوز جنسی به عنوان یک بزه معمولاً به صور مختلف در قالب کودک‌آزاری از نوع آزار جنسی، زنا یا محارم، سادیسم جنسی^۱، پورنوگرافی^۲ و عورت‌نمایی انجام می‌شود و در دو حالت ماسوخیسم و یا سادیسم یعنی خودآزاری و دیگرآزاری خودنمایی می‌کند. افرادی که دست به تجاوز جنسی می‌زنند، صرفاً کسانی نیستند که نمی‌توانند رابطه جنسی با جنس مخالف یا حتی با جنس موافق برقرار کنند بلکه حتی در میان افرادی که دارای همسر و فرزند هستند این نوع جرایم دیده می‌شود. مطالعه پرونده‌هایی که به صورت سریالی منجر به مرگ افراد می‌شود در کشورهای اروپایی و آمریکایی و حتی ایران نشان‌دهنده این است که مهاجم بعد از شناسایی قربانی در فرصتی مناسب ضمن تعرض جنسی، آزار و اذیت و حتی ربایش قربانی، او را به قتل می‌رساند؛ لذا در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت تجاوز جنسی محصول یک اختلال شخصیت^۳ و ناشی از دوران کودکی و نوجوانی فرد بوده و در واقع به نوعی در دوران رشد روانی وی یعنی دوران دهانی، دفعی، سالوس، نهفتگی و بلوغ در او پدید آمده است و در زمان جوانی و میانسالی خودنمایی می‌کند. در مجموع تعرضات جنسی توسط افرادی انجام می‌شود که از لحاظ

1- sexual sadism

2- pour nigraphy

3- personality disorder

شخصیتی و روانی متعادل نیستند یا خود، قربانیان خشونت جنسی^۱ در دوران کودکی توسط افراد فامیل یا غریبه بوده‌اند یا اینکه مورد ضرب و شتم پدر و مادر قرار گرفته‌اند و از جنس مخالف کینه به دل دارند یا به دلیل آموزه‌ها یا آموزش‌های اعتقادی و باورهایی که به صورت غلط به آنها منتقل شده با دید این که جامعه را از این مفساد پاک کنند، دست به ارتکاب این جرایم می‌زنند.

بخش سوم: ارکان زنای فریبکارانه

بند اول: رکن قانونی

مادامی که فعل یا ترک فعلی جرم شناخته نشده و برای آن مجازاتی تعیین نشده ولو اعمال مزبور زشت و ناپسند باشند قابل تعقیب و مجازات نیست. بنابراین فعلی مانند خودکشی یا خودزنی که در اسلام از گناهان کبیره است به دلیل اینکه در قوانین و مقررات جرم شناخته نشده قابل طرح و رسیدگی در محاکم دادگستری نیست. تعیین جرم از وظایف منحصر قانونگذار است. در اجرای این وظیفه قانونگذار بایستی بکوشد افعال یا ترک افعال مجرمانه را به صراحت و بدون ابهام تعیین نماید تا بعداً با تفاسیر مختلف از جانب قضات روبه‌رو نگردد. زیرا به کارگیری تعابیر مبهم راه را برای برداشت‌های شخصی و تفاسیر ناروا باز می‌گذارد. صراحت در بیان از اصولی است که مقنن در تشریح قوانین کیفری همواره باید به کار ببندد^۲. کاربرد دیگر آن است که حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای هر یک از آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز نماید و هر گونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود در صورتی که از روی عمد یا



1- victims of sexual violence

۲ - آزمایش، سیدعلی، تقریرات حقوق جزای عمومی، دوره کارشناسی، نیم سال اول سال تحصیلی ۱۳۷۹، ص ۳۵، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

تقصیر باشد حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است. بنابراین اصل قانونی بودن در اجرای حکم نیز باید رعایت شود. حتی حکم به مجازات دیگر در تکمیل مجازات اصلی (مجازات تکمیلی) بدون آنکه چگونگی آن در قانون تصریح شده باشد با اصل قانون بودن مجازات‌ها منافات دارد.^۱ در مورد زنای فریبکارانه نیز در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ تصریحی وجود ندارد. تنها در تبصره ۲ ماده ۲۲۴ سخن از اغفال و فریب به میان آمده و آن نیز در مورد دختر نابالغ است بدین شرح "هرگاه کسی با زنی که راضی به زناى او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زناى به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است". با توجه به حکم ماده ۲۲۴ ق.م.ا. جدید و مطالب پیش گفته شده به نظر نگارندگان بهتر بود مقنن اغفال و فریب را نسبت به بالغ نیز تسری می داد تا از قانون گریزی مرتکبان چنین جرائمی پیشگیری می شد.

بند دوم: رکن مادی

رفتار انسان ظهور خارجی اراده‌ی اوست یعنی نیرویی که درصدد تأثیر بخشیدن بر محیط و تغییر دادن آن است. رفتاری ممکن است به صورت‌های گوناگون جرم تلقی شود. رفتار گاهی در قالب فعل و گاهی در قالب ترک فعل، جرم محسوب می‌شود. گاهی مقنن مخاطبین خود را از انجام فعل خاصی منع می‌کند. در این صورت ارتکاب این فعل تخطی از نواهی مقنن و جرم به شمار می‌رود. گاهی نیز انجام فعلی بر اشخاص تکلیف شده که ترک آن، جرم محسوب می‌شود و مجازات در پی دارد. اگر نسبت انسان را به عنصر مادی جرم بسنجیم، بزهدکار مسلماً کسی است که جرم را مادتا مرتکب شده و یا به اجرای آن (شروع به جرم) مبادرت ورزیده

۱ - آزمایش، سیدعلی، همان، ص ۵۹



است. در اصطلاح حقوقی او را فاعل یا مباشر جرم می نامند.^۱ با توجه به توضیحاتی که از عمل منافی عفت گذشت این مطلب روشن می شود که عمل مربوط به امور جنسی بوده و بر روی جسم زن و مرد صورت می گیرد و عمل مادی روی شخص معین انجام می گیرد بنابراین حرف یا اشاره و حتی دعوت زبانی به عمل منافی عفت مشمول رفتار مادی زنا نمی گردد و در تحقق عمل مادی بروز و ظهورات مادی است که مرد با زن اجنبیه که هیچ گونه رابطه زوجیت با آن ندارد انجام می دهد و منظور از کلمه مرد و زن در ماده ۲۲۱ ق.م.ا.^۲ مشعر به این معناست که زن و مرد به حد بلوغ شرعی رسیده باشند و به نظر می رسد مرد و زن به معنای عرفی کلمه نباشد که مرد در مقابل پسر و زن در مقابل دختر و دوشیزه باشد که تاهل از آن مستفاد شود بلکه جنسیت مذکر و مونث مرد و زن مراد است. بنابراین در تحقق عنصر مادی دو شرط وجود دارد اول اینکه بین زن و مرد هیچگونه علقه زوجیت وجود نداشته باشد اعم از دائم یا موقت زیرا بین زن و مردی که علقه زوجیت است مرتکب عمل تقبیل شوند اگر مشمول ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات نباشد مشمول ماده ۱۰۱ نخواهد بود به لحاظ اینکه عمل تقبیل برای زن و مرد که علقه زوجیت بینشان وجود دارد ممنوعیت شرعی و قانونی وجود ندارد. دوم اینکه عمل ارتكابی به مرحله دخول و هتك ناموس و یا به عبارتی زنا نرسد که در آن عمل از شمول ماده خارج بوده و مشمول سایر مواد قانونی مربوط به زنا خواهد شد.^۳ فعل یا ترک فعل خارجی که تجلی نیت مجرمانه یا تقصیر جزایی است عنصر مادی جرم را تشکیل می دهد.



۱ - اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، نشر میزان، ص ۳۳ تهران، چاپ پنجاه و پنجم، ۱۳۹۷

۲ - ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی: "زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد."

۳ - رزمجو، حسین، زنا و اعمال منافی عفت در حقوق موضوعه و مذاهب اربعه، ص ۱۶۸، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴

قصد باطنی و درونی افراد تا به منصفی ظهور نرسد و ضمنا مغایر با اوامر و نواهی قانونگذار نباشد، قابل مجازات نیست.

بند سوم: رکن روانی

برای تحقق جرم فعل مادی یا ترک فعل و همچنین عنصر قانونی کافی نیست. فعل یا ترک فعلی که مجرمانه است باید نتیجه‌ی خواست و اراده‌ی فاعل باشد. یعنی میان فعل مادی و حالات روانی فاعل باید نسبتی وجود داشته باشد تا بتوان مرتکب را مقصر شناخت. بر مبنای عنصر روانی تقسیم‌بندی‌هایی را برای جرایم ارائه داده‌اند که عبارتند از جرایم عمدی و جرایم خطایی. عمد یعنی افعالی که مرتکب در راستای خواسته و تمایل خود آن را عملیاتی می‌کند. افعال عمدی همه به یک اندازه ارزش ندارند بلکه توجه مقنن به آن دسته از افعال عمدی معطوف است که توأم با سوءنیت یا قصد مجرمانه باشد. به عبارت دیگر مقصود جرایمی است که توأم با اراده و به وصف مجرمانه مقید باشد و نه هر اراده‌ای به صورت مطلق. قصد نیز به معنای کوشش و کشش اراده برای وصول به هدف معلوم است. این هدف همان دستور مقنن است که به سوءنیت تعبیر گردیده است^۱. نکته‌ی حایز اهمیت در تحقق جرم آن است که اراده‌ی ارتکاب با قصد مجرمانه مقارن باشد. بدین ترتیب هرگاه اراده‌ی ارتکاب بر قصد مجرمانه پیشی بگیرد جرم محقق نمی‌شود. همچنین اراده‌ی ارتکاب باید با قصد سوء منطبق باشد. به این معنا که دادگاه بایستی یقین پیدا کند که مرتکب به نقض حکم مقنن مصمم بوده است و میل و اراده مرتکب نیز بر این مسئله قرار گرفته است که فلان نتیجه‌ی خاص مجرمانه را از رفتار خویش اخذ نماید. از ویژگی‌های عمدی بودن فعل توجه فاعل به نتیجه‌ی فعل مجرمانه است. داشتن سوءنیت نیز یعنی قصد ارتکاب رفتاری که مقنن آن را منع کرده است

۱ - اردبیلی، محمدعلی، پیشین، ص ۹۴



که همیشه به تنهایی کافی نیست. گاه مقنن وجود جرم را منوط به داشتن قصدی مشخص و صریح نموده که فاعل برای تحقق آن کوشیده است. سوءنیت گاهی معین و گاهی نامعین است. یعنی در بسیاری از موارد این میل و خواست روشن و مبرهن نیست. در سوءنیت نامعین، مرتکب جرم نمی‌تواند دقیقاً قبل از ارتکاب جرم کیفیت نتیجه‌ی آن را تصور کند. در حالی که در سوءنیت معین کاملاً کیفیت نتیجه برای مرتکب مشخص و معین است. جرم زناى فریبکارانه از آنجا که فردی با سوءنیت و قصد و علم مرتکب می‌شود، جرم عمدی محسوب می‌شود. چه اینکه تصور این امر که کسی دیگری را بفریبد تا با او زنا کند را امری غیرعمدی تلقی کنیم غیرمعقول و غیرمنطقی بنظر می‌رسد. بنابراین هرگاه کسی دیگری را می‌خواهد بفریبد ظاهراً یک عمل خلاف و سوءنیتی را نیز در پس آن در سر دارد.

بخش چهارم: تاثیر شبکه های اجتماعی بر وقوع زناى بزهارانه

تحول عنصر زمان و مکان از ویژگی های بارز عصر نوین تلقی می‌شود پیشرفت تکنولوژی و گسترش دامنه‌ی علوم نوین موجب پیدایش اینترنت، ماهواره و شبکه‌های داده‌ی مبتنی بر کد صفر و یک و کامپیوتر که از جمله‌ی شاهراه‌های انتقال داده دیجیتال از یک سو و از سوی دیگر تمایل و نیاز مبرم دولت‌ها و ملت‌ها برای تسهیل زندگی و بهبود شرایط آن که در مواردی سبب ارتقای امنیت زندگی شده است و وجود هزاران پایگاه داده که حاوی اطلاعات امنیتی، نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، موجب پیدایش مرتکب یا مجرم جدیدی در حقوق کیفری و تقنینی با عنوان "تبهکار سایبری" نیز شده است. هر چند از موضوع مقاله حاضر کمی به دور از ذهن تلقی خواهد شد. بدین ترتیب در فضای سایبر به علت وجود فرصت‌های ارزشمند و نیز نبود موانع جهان واقعی، تحریک پذیری در ارتکاب جرم، برای بسیاری از بزهاران بالقوه و بالفعل فراهم است و ایشان را به ارتکاب جرم سوق می‌دهد. بسترهای تازه و ناشناخته‌ی فضای سایبر و نیز حضور فشرده افراد در فضای مجازی و قابلیت آماج‌گیری



هریک از شهروندان فضای سایبر موجبات شکلگیری اهداف مناسب برای مجرمان سایبری را فراهم آورده است، در فضای سایبر امکان یافتن آماجی مناسب برای یک مجرم بالقوه کاملاً فراهم است.^۱ در بسیاری از جرایم به ویژه «جرایم مصنوعی» و جرایم علیه زنان خصیصه ی تحریک کنندگی و فریب دهنده شبکه های اجتماعی، وضعیت به مراتب پررنگ تری به خود می گیرد و حتی بسیاری از شهروندان فضای سایبر و نه فقط بزهکاران سایبر را به ارتکاب جرم بر می انگیزد. مطالعات پرونده های جرائم منافی عفت و بایدها و نبایدهای جنایی آن بیانگر گسترش منافی عفت در فضای مجازی بوده و عامل اصلی در وقوع روابط نامشروع و متعاقب آن فریب بزه دیدگان و دختران و زنان مجرد و متاهل می باشد که جملگی تاثیر شبکه های اجتماعی در تحقق جرائم منافی عفت از جمله زنا ی فریبکارانه را می رساند. با تحلیل گونه شناسی جرائمی که در ارتباط با زنان در فضای سایبر روی می دهند و بررسی روندهای آن مشاهده می کنیم که شتاب دهنده ی فعال به بزه دیدگی توسط بزه دیده، هنگامی که زن بزه دیده از سایت های دوست یابی^۲ استفاده می کند و اطلاعات واقعی خود را به بازدید کنندگان^۳ از پروفایلش می دهد، خود زمینه جرایم سایبری را فراهم آورده است.^۴

بخش پنجم: واکنش حقوق انگلیس و رویه قضایی آن به جرایم جنسی فریب

دهنده

نبود رضایت^۵ قربانی است که آمیزش جنسی^۶ را به تجاوز جنسی تبدیل می کند. شرط رضایت جنسی در تمامی سیستم های جنایی آثار کیفری متعددی بر شرایط تشکیل دهنده جرم

۱ - السان، مصطفی، حقوق فضای مجازی، صفحه ی ۱۷۸، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳

2- dating site

3- visitors

۴ - سلیمی، احسان، بزه دیدگی زنان در فضای سایبر، پردیس فارابی دانشگاه تهران، دانشکده حقوق، کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی، ص ۲۶، ۱۳۹۳

5- satisfaction

6- sexual intercourse

جنسی و میزان مجازات بزهکاران جنسی دارد که این شرایط هرچند به نسبت هر سیستم کیفری و حقوقی متفاوت است ولی عنصر « رضایت » تقریباً در تمامی نظام ها و سیستم های کیفری نوعی جهات تخفیف محسوب می شود لذا در حقوق انگلیس نیز این عنصر مورد توجه سیستم تقنینی و رویه قضایی قرار گرفته است. این شرط را ممکن است در بند ۲ ماده ۱ قانون جرائم جنسی مصوب سال ۱۹۵۶ انگلیس یافت که در بالا نقل شده است. رضایت یکی از دشوارترین مسائل در محاکمه است. اکنون که روش های پیشرفته‌ی پزشکی قانونی بدین معنی است که انکار واقع شدن آمیزش جنسی نمی تواند گزینه‌ای (برای دفاع) باشد، طبیعتاً رضایت، توأم با سوء نیت خط مشی آشکار دفاع می شود. رضایت قربانی باید واقعی باشد و نه صرفاً تسلیم تحت فشار در دعوی دولت علیه الو گبوجا در سال ۱۹۸۱، دادخوانده تهدید کرد که دختری را در طول شب در ویلای خود نگه خواهد داشت. او تهدید به خشونت ابراز نکرد و دختر در برابر آمیزش جنسی مقاومت نکرد. دادگاه اظهار داشت که بر اساس ادله دختر رضایتی واقعی نداشته است، بلکه صرفاً تحت فشار تهدید تسلیم شده است. در عمل تشخیص مرز میان تسلیم صرف و رضایت آسان نیست. در گذشته باید نشان داده می شد که آمیزش جنسی با اعمال زور^۱ حاصل شده است، اما این دیگر شرطی لازم نیست: تنها پرسش این است که آیا قربانی رضایت واقعی داده است؟ این نکته در دعوی دولت علیه لارتر و کسلتون در سال ۱۹۹۵ تکرار شد که در آن دادخوانده با زنی در حالی که زن خواب بود آمیزش جنسی داشت. دادگاه پژوهش این محکومیت به تجاوز جنسی را تاکید بر این امر تایید کرد که موضوع کلیدی در این مورد این بود که آیا قربانی به آمیزش جنسی رضایت داده بود یا خیر و چنانچه رضایت نداده بود، این حقیقت که اعمال زوری در کار نبوده است مانع از این نمی شود



1- force



که این عمل تجاوزز جنسی باشد. اماره‌ی [توسل به] عنف با موضوع رضایت مرتبط است، اما تنها به عنوان اماره، حداقل از لحاظ نظری، در عمل قضات متمایل به عدم باور بزه دیدگانی هستند که در مورد آنها اماره‌ی توسل به عنفی وجود ندارد. مورد اخیر که رویکردی مشابه دعوی دولت علیه لارتر و کسلتون در آن بکار رفت، دعوی دولت علیه مالون در سال ۱۹۹۸ بود قربانی دختری ۱۶ ساله بود و پژوهش خواه دوستی بود که نزدیک خانه‌ی او زندگی می‌کرد. او شبی با دوستان خود به گردش رفته بود اما شراب زیادی نوشیده بود به طوری که مست شده بود و نمی‌توانست راه برود و دوستان وی او را با اتومبیل به خانه بردند. یکی از دوستان به خانه‌ی پژوهش خواه رفت و از او خواست که به آنها کمک کند دختر را به اتاق خوابش ببرند. در حالی که بقیه در طبقه‌ی پایین بودن، پژوهش خواه به طبقه‌ی بالا بازگشت. قربانی گفت که از حضور مرد آگاه شده بوده و او روی دختر رفته و آلت جنسی‌اش را در مهبل او فرو کرده بود که درد زیادی ایجاد کرده بود و دختر با کوبیدن به سینه‌ی مرد، او را دور کرده بود. پژوهش خواه به تجاوز جنسی محکوم شد و بر اساس درخواست رسیدگی پژوهشی کرد که قاضی در مورد رضایت اشتباه کرده است، چرا که عنف، دروغ یا تهدید اعمال نشده و شاکی هیچ مقاومتی نشان نداده است. اعتراضات پژوهشی مردود اعلام شد. دادگاه پژوهش اظهار داشت که برای تحصیل محکومیت بایستی اماره‌ی مبنی بر عدم رضایت موجود بوده باشد، اما این اماره می‌تواند صرفاً اظهار دادخوانده باشد مبنی بر اینکه رضایت نداشته است. شمول آمیزش از طریق مقعد در عنصر مادی تجاوز جنسی^۱ پرسشی را بر می‌انگیزد که به نظر نمی‌رسد قانون پاسخی برای آن داشته باشد: اگر زنی به آمیزش از راه مهبل رضایت دهد اما مرد با دخول در مقعد او ادامه دهد، آیا این می‌تواند تجاوز جنسی باشد؟ به

1- rape

نظر ما باید چنین باشد؛ اینکه اجازه داده شود رضایت به یک نوع آمیزش، متضمن رضایت به نوع دیگر آمیزش باشد، به منزله‌ی انکار اختیار زن نسبت به بدن خود خواهد بود. تکلیف بزه- دیده‌ای که تنها به علت دروغی که دادخوانده به او گفته است به آمیزش رضایت داده باشد، چیست؟ برای مثال، ممکن است به دروغ به بزه‌دیده بگویند که ازدواج نکرده است تا او به آمیزش رضایت دهد. در حال حاضر تنها دو حالت وجود دارد که در آنها فریب دادخوانده، رضایت بزه‌دیده را منتفی می‌کند. اولی، حالتی است که دادخوانده تظاهر می‌کند که همسر یا دوست پسر بزه‌دیده است. بند ۳ ماده‌ی ۱ قانون مصوب سال ۱۹۵۶ بیان می‌دارد: «مرد همچنین مرتکب تجاوز جنسی تن دهد. تا سال ۱۹۹۵، مشخص نبود که آیا در مورد کسی نیز که خود را نه همسر بلکه دوست پسر زن وانمود می‌کند همین رویکرد با اتخاذ شود یا خیر. دو دعوی درباره‌ی این موضوع وجود داشت اما با هم متعارض بودن: باور در سال ۱۸۶۸ توصیه می‌کرد که این امر نباید رضایت را منتفی کند، دی در سال ۱۸۸۴ توصیه می‌کرد که این موضوع باید رضایت را منتفی کند. این مساله در دعوای دولت علیه البکی در سال ۱۹۹۵ با ترجیح رویکرد دعوای دی حل شد. بزه دیده با دوست پسرش زندگی می‌کرد. یک روز عصر آنها برای نوشیدن [مشروبات الکلی] با دوستی بیرون رفته بودند و خیلی مست به خانه برگشتند. دوست پسرش در اتاق نشیمن به خواب رفت و بزه دیده به تخت خواب رفت. در میانه‌ی شب، دوست آنها با زن روی تخت رفت. زن که در خواب و بیداری بود، گمان کرد او دوست پسرش است. دوست، آمیزش جنسی را با او آغاز کرد و پس از دخول به مهبل زن بود که او فهمید که مرد دوست پسرش نیست، که در زمان او را کنار زد و به او ضربه زد. دادگاه پژوهش با بیان اینکه خود را دوست پسر وانمود کردن و همسر وانمود کرد باید یکسان تلقی شوند، محکومیت او را به تجاوز جنسی تایید کرد. احتمالاً، اکنون که تجاوز جنسی، تجاوز به جنس





مذکر را هم در بر می‌گیرد، این قاعده باید شامل وانمود کردن به طرف جنسی فرد هم جنس - گرا بودن نیز بشود.^۱ حالت دومی که ممکن است فریب رضایت بزه دیده را منتفی کند، حالتی است که فریب در ماهیت خاص آمیزش جنسی است. بنابراین، در دعوی فلتری در سال ۱۸۷۷، دادخوانده به بزه دیده گفت که دارد عمل جراحی‌ای را انجام می‌دهد، در حالی که عملاً داشت با او آمیزش می‌کرد. رضایت زن به عمل مرد با این دروغ منتفی شد و او به تجاوز جنسی محکوم شد. همین نکته در دعوی ویلیامز در سال ۱۹۲۳ تکرار شد. متهم آموزگار آوازی بود که شاگردی ۱۶ ساله داشت. هنگامی که معلم به او گفته بود که این یکی از روش - های تقویت تنفس است، دختر به آمیزش جنسی رضایت داده بود، همانند دعوی فلتری، این رضایت به علت تقلب باطل اعلام شد و او به تجاوز جنسی محکوم شد. دعوی دولت علیه لینکار در سال ۱۹۹۵ موردی متعارض است. زنی که به عنوان روسپی کار می‌کرد بیرون سینمایی در لندن در جستجوی مشتری بود. دادخوانده به او نزدیک شد و آنها توافق کردند که مرد به زن ۲۵ پوند برای آمیزش جنسی بپردازد. آنها به بالکن آپارتمانی در آن نزدیکی رفتند و آمیزش جنسی انجام دادند، بعد دادخوانده بدون پرداخت گریخت. او نهایتاً دستگیر و به تجاوز جنسی متهم شد، اما محاکمه گفته شد که از آن جایی که به آمیزش جنسی رضایت داده بود، تجاوزی در کار نبوده است. گرچه، دادخوانده برای جلب رضایت او برای آمیزش جنسی به دروغ گفته بود که پول خواهد پرداخت، خود را همسر یا دوست پسر زن وانمود نکرده بود و در مورد ماهیت یا کیفیت عمل دروغ نگفته بود؛ دروغی که او گفته بود برای منتفی کردن رضایت کافی نبود.^۲

۱ - البیوت، کاترین، واحدی نوایی، آوا، حقوق جزا، چاپ اول، نشر میزان، ص ۲۲۵، تهران، سال ۱۳۸۷

۲ - البیوت، کاترین، واحدی نوایی، همان، ص ۲۲۸

بند اول: رضایتی که با توسل به تقلب به دست آمده باشد

تکلیف بزه‌دیده‌ای که تنها به علت دروغی که دادخوانده به او گفته است به آمیزش رضایت داده باشد، چیست؟ برای مثال، ممکن است به دروغ به بزه‌دیده بگویند که ازدواج نکرده است تا او به آمیزش رضایت دهد. در حال حاضر تنها دو حالت وجود دارد که در آنها فریب دادخوانده، رضایت بزه‌دیده را منتفی می‌کند. اولی، حالتی است که دادخوانده تظاهر می‌کند که همسر یا دوست پسر بزه‌دیده است. بند ۳ ماده‌ی ۱ قانون مصوب سال ۱۹۵۶ بیان می‌دارد: «مرد همچنین مرتکب تجاوز جنسی تن دهد. تا سال ۱۹۹۵، مشخص نبود که آیا در مورد کسی نیز که خود را نه همسر بلکه دوست پسر زن وانمود می‌کند همین رویکرد با اتخاذ شود یا خیر. دو دعوی درباره‌ی این موضوع وجود داشت اما با هم متعارض بودن: باور در سال ۱۸۶۸ توصیه می‌کرد که این امر نباید رضایت را منتفی کند، دی در سال ۱۸۸۴ توصیه می‌کرد که این موضوع باید رضایت را منتفی کند. این مساله در دعوای دولت علیه البکی در سال ۱۹۹۵ با ترجیح رویکرد دعوای دی حل شد. بزه دیده با دوست پسرش زندگی می‌کرد. یک روز عصر آنها برای نوشیدن [مشروبات الکلی] با دوستی بیرون رفته بودند و خیلی مست به خانه برگشتند. دوست پسرش در اتاق نشیمن به خواب رفت و بزه دیده به تخت خواب رفت. در میانه‌ی شب، دوست آنها با زن روی تخت رفت. زن که در خواب و بیداری بود، گمان کرد او دوست پسرش است. دوست، آمیزش جنسی را با او آغاز کرد و پس از دخول به مهبل زن بود که او فهمید که مرد دوست پسرش نیست، که در زمان او را کنار زد و به او ضربه زد. دادگاه پژوهش با بیان اینکه خود را دوست پسر وانمود کردن و همسر وانمود کرد باید یکسان تلقی شوند، محکومیت او را به تجاوز جنسی تایید کرد. احتمالاً، اکنون که تجاوز جنسی، تجاوز به جنس مذکر را هم در بر می‌گیرد، این قاعده باید شامل وانمود کردن به طرف جنسی فرد هم





جنس‌گرا بودن نیز بشود. حالت دومی که ممکن است فریب رضایت بزه دیده را منتفی کند، حالتی است که فریب در ماهیت خاص آمیزش جنسی است. بنابراین، در دعوی فلتری در سال ۱۸۷۷، دادخوانده به بزه دیده گفت که دارد عمل جراحی‌ای را انجام می‌دهد، در حالی که عملاً داشت با او آمیزش می‌کرد. رضایت زن به عمل مرد با این دروغ منتفی شد و او به تجاوز جنسی محکوم شد. همین نکته در دعوی ویلیامز در سال ۱۹۲۳ تکرار شد. متهم آموزگار آوازی بود که شاگردی ۱۶ ساله داشت. هنگامی که معلم به او گفته بود که این یکی از روش‌های تقویت تنفس است، دختر به آمیزش جنسی رضایت داده بود، همانند دعوی فلتری، این رضایت به علت تقلب باطل اعلام شد و او به تجاوز جنسی محکوم شد. دعوی دولت علیه لینکار در سال ۱۹۹۵ موردی متعارض است. زنی که به عنوان روسپی کار می‌کرد بیرون سینمایی در لندن در جستجوی مشتری بود. دادخوانده به او نزدیک شد و آنها توافق کردند که مرد به زن ۲۵ پوند برای آمیزش جنسی بپردازد. آنها به بالکن آپارتمانی در آن نزدیکی رفتند و آمیزش جنسی انجام دادند، بعد دادخوانده بدون پرداخت گریخت. او نهایتاً دستگیر و به تجاوز جنسی متهم شد، اما محاکمه گفته شد که از آن جایی که به آمیزش جنسی رضایت داده بود، تجاوزی در کار نبوده است. گرچه، دادخوانده برای جلب رضایت او برای آمیزش جنسی به دروغ گفته بود که پول خواهد پرداخت، خود را همسر یا دوست پسر زن وانمود نکرده بود و در مورد ماهیت یا کیفیت عمل دروغ نگفته بود؛ دروغی که او گفته بود برای منتفی کردن رضایت کافی نبود. حتی واداشتن زنی به اینکه باور کند که به صورت قانونی با دادخوانده ازدواج کرده است در حالی که در واقع چنین نیست مانع معتبر بودن رضایت متعاقب او به آمیزش جنسی نمی‌شود.^۱

۱ - جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به: پرونده‌ی پادیمیتریپولس در سال ۱۹۵۸

بخش ششم: مجازات زناى فریبکارانه

مجازات زناى فریبکارانه با توجه به عدم جرم انگاری در قوانین کیفری دقیقاً مشخص نیست و صرفاً وفق تبصره دو ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی قابلیت تعیین و مجازات دارد که تحت عنوان در حکم زناى به عنف قابل مجازات می باشند. مرد و زنی که دارای همسر باشند و با این وجود با یکدیگر زنا نمایند زناى محصنه محقق می شود. بنابراین چنانچه زن و مرد دارای شرایط احصان باشند زناى محصنه و در غیر این صورت زناى غیر محصنه تحقق می یابد. حال باید بدانیم شرایط احصان چیست؟ ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی شرایط تحقق احصان را بیان نموده است: احصان در هر یک از مرد و زن به نحو زیر محقق می شود: احصان مرد عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قُبُل با وی در حال بلوغ جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از طریق قُبُل را با وی داشته باشد. احصان زن عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده، با او از طریق قُبُل جماع کرده باشد و امکان جماع از طریق قُبُل را با شوهر داشته باشد. با توجه به ماده ۲۲۶ چنانچه هر یک از مرد و زن شرایط احصان را دارا باشند یعنی بتوانند با همسر دائمی خود آمیزش نمایند و با وجود این مرتکب زنا شوند مطابق ماده ۲۲۵ قانون مجازات به مجازات رجم (سنگسار) محکوم می شوند. البته بر اساس ماده ۲۲۵ در صورت عدم امکان اجرای حکم سنگسار با پیشنهاد دادگاه صادر کننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضاییه چنانچه جرم با شهادت شهود ثابت شده باشد حکم رجم اجرا نخواهد شد در این فرض چنانچه زانی یا زانیه شرایط احصان را دارا بوده و مرتکب زنا شوند به جای مجازات رجم، اعدام می شوند. ماده ۲۲۷ اموری از قبیل حبس، بیماری هایی که موجب خطر هستند و مانع آمیزش می شوند مانند ایدز و سلفیس، مسافرت، حیض و نفاس را موجب خروج زوجین از



شرایط احصان دانسته است. در تکمیل شرایط احصان این نکته مهم است که بر اساس ماده ۲۲۹ چنانچه مردی همسر دائمی داشته باشد و قبل از دخول با هسر دائمی خود، مرتکب زنا شود حد او رجم یا اعدام نیست بلکه حد چنین مردی صد ضربه شلاق، تراشیدن موی سر و تبعید به مدت یکسال قمری می‌باشد.

نتیجه گیری

در مقاله حاضر با توجه به خلاها و عدم جرم انگاری مستقل نسبت به زنا ی فریبکارانه، معیار و ضابطه ی مشخصی برای عنصر فریب در نظر گرفته نشده است که آیا فریبکاری اولاداری مصادیق متعددی است؟ دوما در تشخیص و تعیین فریب، بازپرس و دادرس در مرحله کشف و دادرسی از چه معیاری بهره قضایی خواهد گرفت؟ بدین ترتیب نگارندگان؛ فرضیاتی را مطرح و در طول تحقیق در صدد پاسخگویی به سوالات در راستا و چارچوب فرضیات برآمده ایم که مختصرا خلاصه فروض بدین ترتیب می باشد که اولاداری فریبکاری در زنا به عنوان مصداق خاص زنا ی به عنف در نظر گرفته شده است یا خیر؟ دوما عنصر فریب در بزه زنا ی فریبکارانه با لحاظ معیار و ملاک شخصی مورد شناسایی قرار می گیرد یا نه بر اساس معیار و ضابطه ی قانونی؟ و نهایتا آیا زنا ی فریبکارانه با توجه به عدم جرم انگاری مستقل در متون قانونی در ذیل زنا ی به عنف قابلیت شناسایی را دارد؟ در طول تحقیق که با روش کتابخانه ای و توصیفی - تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفته ضمن مراجعه به کتابخانه ها و مطالعه کتب و قوانین کیفری مربوطه به دنبال پاسخی علمی و محکم در برابر سوالات و فرضیات مطروحه بودیم که اولاداری فریبکارانه به صورت مستقل جرم انگاری نگردیده است و صرفا در تبصره ۲ ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ عنوان فریب دادن دختر نابالغ در حکم زنا ی به عنف مورد جرم انگاری قرار گرفته است که سوال اصلی و چالش برانگیز با توجه به منطوق تبصره ماده



۲۲۴ فوق‌الاشعار این می باشد که تبصره صرفاً دختر نابالغ را مورد جرم‌انگاری قرار داده است و با توجه به اصول مسلم حقوق کیفری تسری دادن آن به افراد بالغ قابل تامل می باشد، و در مقابل، قوانین کامن لا نظیر رویه قضایی انگلستان اولاً معیار فریب را به وضوح مورد شناسایی قرار داده و دوماً به صورت واضح جرم‌انگاری نموده است. بنابراین در حقوق ایران، جرم‌انگاری زناى فریبکارانه به صورت شفاف مورد توجه قرار نگرفته و هم‌چنین زیرساخت‌های پیشگیری از این گونه جرایم و جلوگیری از فریب بزه‌دیدگان در سیاست جنایی و تقنینی ایران نادیده گرفته شده است. هم‌چنین در حقوق کیفری و قوانین کیفری ایران، معیار و ضابطه‌ی مشخصی برای تفکیک فریب از اقدامات غیر فریبکارانه (رضایت بزه‌دیده) وجود ندارد که در عمل و رویه قضایی، رسیدگی و کشف این گونه جرایم با چالش‌های عدیده‌ای مواجه گردیده است.



منابع و مأخذ

- ۱- آزمایش، سیدعلی، تقریرات حقوق جزای عمومی، دوره کارشناسی، نیم سال اول سال تحصیلی ۱۳۷۹، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- ۲- لیوت، کاترین، واحدی نوایی، آوا، حقوق جزا، چاپ اول، نشر میزان، تهران، سال ۱۳۸۷
- ۳- السان، مصطفی، ۱۳۹۳، حقوق فضای مجازی، چاپ اول، تهران، موسسه ی مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش
- ۴- رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده شناسی تحولات بزه دیده شناسی و علوم جنایی، چاپ اول، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، تهران، ۱۳۹۰
- ۵- ذاقلی، عباس، قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین المللی، چاپ اول، نشر میزان، تهران، سال ۱۳۸۹
- ۶- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ ۲۶
- ۷- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، نشر میزان، تهران، چاپ پنجاه و پنجم
- ۸- آیت الله العظمی مظاهری، کاوشی نو در اخلاق اسلامی، جلد دوم شئون حکمت عملی
- ۹- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد اول
- ۱۰- خمینی، روح الله، رساله توضیح المسائل محشی امام خمینی، انتشارات هاتف، مشهد، ۱۳۸۱
- ۱۱- النجفی، الشیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، داراحیاء التراث العربی، ج ۴۱، چاپ اول، ۱۴۳۰ ه.ق.

